



بهار ایران در لندن

صابره محمدکاشی

بنیاد میراث ایران (Iran Heritage) در لندن، در فصل بهار امسال برنامه‌ای را تحت عنوان «هنر و فرهنگ معاصر ایران در لندن ۲۰۰۱» در مجتمع باریکن برگزار کرده است. مجتمع باریکن یکی مجموعه‌ی فرهنگی شامل نمایشگاه، سالن‌های سینما، محل اجرای موسیقی و غیره است که در آن برنامه‌هایی از کشورهای مختلف دنیا برگزار می‌شود. برنامه‌ی فرهنگی ایران در فصل بهار امسال، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های این مجتمع است که از زوایای گوناگون به بررسی فرهنگ و هنر معاصر ایران می‌پردازد. بخش‌های مختلف این برنامه عبارت‌اند از:

- نمایشگاه هنر معاصر ایران: ۱۲ آوریل تا ۳ ژوئن (۲۳ فروردین تا ۱۳ خرداد)

- فصل فیلم: ۴ تا ۱۰ می (۱۴ تا ۲۰ اردیبهشت)

- کنفرانس «پشت لژها، آن‌سوی حجاب: زنان در سینمای ایران» ۵ می (۱۵ اردیبهشت)

- گفتمان تبعید در نثر فارسی بعد از انقلاب: ۴ می تا ۲۱ ژوئن (۱۴ اردیبهشت تا ۳۱ خرداد)

- تصور نامحدود؛ شعر معاصر ایران و دنیای فارسی‌زبان:
۱۷ تا ۱۹ می (۲۷ تا ۲۹ اردیبهشت)

فصل فیلم، شامل جشنواره‌ای از فیلم‌های فیلم‌سازان زن ایرانی تحت عنوان «زندگی‌های بدون حجاب: زنان در سینمای ایران» بود. در این جشنواره فیلم‌های نرگس، بانوی اردیبهشت، روسری آبی و زیر پوست شهر ساخته‌های رخشان بنی‌اعتماد، دو زن ساخته‌ی تهمینه میلانی، دختران خورشید ساخته‌ی مریم شهریار، روزی که زن شدم ساخته‌ی مرضیه مشکینی، باشو غریبه‌ی کوچک ساخته‌ی بهرام بیضایی، خانه سیاه است ساخته‌ی فروغ فرخزاد، سبز سرد ساخته‌ی ناصر صفاریان، زینت، یک روز به خصوص ساخته‌ی ابراهیم مختاری، سیب و تخته‌سیاه ساخته‌های سمیرا مخملباف و دایره ساخته‌ی جعفر پناهی به نمایش درآمدند. هم‌چنین در این جشنواره چند فیلم کوتاه از اولین ساخته‌های فیلم‌سازان زن ایرانی نیز برای اولین بار نمایش داده شدند. داشتن و نداشتن ساخته‌ی نیکی کریمی، مردی با همه‌ی دلایل ساخته‌ی فاطمه معتمدآریا، زیر پوست باران ساخته‌ی شالیزه عارف‌پور، اما تو خیلی خوب انگلیسی حرف می‌زنی ساخته‌ی پریسا تقی‌زاده و مرجان صفی‌نیا مقیم لندن و در انتظار وحید ساخته‌ی دلفین مینویی مقیم پاریس.

بحث درباره‌ی فیلم‌های اول کارگردان‌های زن موضوع جالبی است. تعجب‌آور این بود که این فیلم‌ها بدون هیچ ضابطه‌ی خاصی انتخاب شده بودند. بسیاری از کارگردانان زنی که در ایران و خارج فیلم‌های کوتاه داستانی و مستند می‌سازند، عملاً نادیده گرفته شده بودند. این جشنواره ظاهراً بیش‌تر به اسم و رسم آدم‌ها توجه کرده بود، به همین دلیل هم فیلم‌های کوتاه این جشنواره نمی‌توانستند تصویر درست و دقیقی از سینمای زنان در ایران باشند. در این‌جا به معرفی فیلم‌هایی می‌پردازیم که اولین بار در این جشنواره به نمایش درآمدند:

داشتن و نداشتن ساخته‌ی نیکی کریمی فیلمی است درباره‌ی نازایی. کریمی در نشست معرفی فیلم توضیح داد که از حضور یک مرکز درمان نازایی در نزدیکی محل سکونتش تعجب کرده و می‌خواسته بداند چرا مردم این‌قدر مایل‌اند

بچه‌دار شوند؛ در حالی که خود او به عنوان یک زن نمی‌تواند به هیچ وجه مسؤلیت بچه‌دار شدن را بپذیرد. در راستای این هدف نیکی کریمی به سراغ زوج‌های نازا می‌رود و دلایل آن‌ها را برای بچه‌دار شدن می‌پرسد. یکی از زوج‌ها مردی با همسر ژاپنی است که عقاید جالبی درباره‌ی خانواده دارد. کم‌کم بحث به تعدد زوجات می‌گردد. مرد ابتدا خود را از ایسن کار مبرا می‌داند، اما کم‌کم معلوم می‌شود از چند همسری بدش هم نمی‌آید. مورد دیگر زنی فقیر و شهرستانی است که به خاطر حرف مردم به این کلینیک آمده و با تمام خرجی که کرده نتیجه‌ای نگرفته است. کریمی سراغ یک دبستان در شمال تهران می‌رود و با مادری صحبت می‌کند که بعد از سال‌ها بچه‌دار شده است. زن می‌گوید داشتن بچه او را حسابی به دردسر انداخته و اگر این کار را نکرده بود خیلی راحت‌تر زندگی می‌کرد. زنی دیگری برای نیکی درد دل می‌کند که شوهرش به خاطر نازایی او را طلاق داده است. یکی از پرستاران کلینیک، عروسکی را به این سبب که شبیه مردی است که دوستش داشته، با خود به این طرف و آن طرف می‌برد و به جای او حرف می‌زند. پزشک کلینیک نازایی خودش با بچه مخالف است چون فکر می‌کند در دنیای پر مشکل امروز به دنیا آوردن بچه کار اشتباهی است. کریمی در جای دیگری از فیلم سراغ یک خانواده‌ی فقیر و پرفرزند می‌رود که از داشتن این همه بچه پشیمان‌اند.

فیلم ایده‌های جالبی را کنار هم گذاشته است اما نتوانسته از همه‌ی آن‌ها به نتیجه‌ی تأثیرگذاری برسد. سبک فیلم شبیه آثار کیارستمی است (و او تهیه‌کننده فیلم هم هست). پایان فیلم هم به سبک کیارستمی با نماهایی طولانی و بدون حادثه تمام می‌شود. اما این نماها جمع‌بندی موضوعات مختلف و شخصیت‌های گوناگون فیلم نیستند. در نتیجه فیلم کمی از هم گسیخته به نظر می‌رسد. نکته‌ی مثبت فیلم توانایی آن در وارد شدن به دنیای خصوصی آدم‌ها و گاهی بیرون کشیدن عواطفی مثل اندوه و حسرت از آن‌هاست؛ اما حیف که در پایان همه چیز بدون نتیجه و معلق می‌ماند. فیلم مردی با همه دلایل فیلمی است که به قول کارگردانش قرار



ادامه خواهد داد.

زیر پوست باران فیلمی است درباره‌ی باران کوثری دختر رخشان بنی‌اعتماد و مشکلاتی که او به سبب بازی در فیلم مادرش با آن روبه‌رو می‌شود. ناظم مدرسه به تندی از باران می‌خواهد مادرش را به مدرسه بیاورد، اما خودش هم به سینما و محمدرضا فروتن علاقه‌مند است و بدش نمی‌آید فیلم بازی کند. فیلم شامل صحنه‌هایی از پشت صحنه‌ی فیلم زیر پوست شهر هم هست. روی هم رفته فیلم خوبی است، اما اگر عنوان «پشت صحنه‌ی زیر پوست شهر» را می‌گرفت، بامسما تر بود، زیرا صحنه‌های بازسازی شده‌ی درگیری باران با ناظم مدرسه‌اش آن قدرها خوب از کار درنیامده‌اند.

اما تو خیلی خوب انگلیسی حرف می‌زنی! درباره‌ی ایرانیان مقیم انگلیس است. این فیلم شامل گفت‌وگو با چند جوان ایرانی (که عمدتاً از دوستان و آشنایان خود فیلم‌ساز هستند) چند

است «همه‌ی احساسات و عواطف» او را نسبت به رییس جمهور خاتمی نشان دهد. معتمدآریا قصد دارد با خاتمی گفت‌وگو کند و لحظاتی از زندگی خصوصی‌تر و هنری‌تر او را ثبت کند. اما تا پایان فیلم موفق به انجام این گفت‌وگو نمی‌شود. معتمدآریا را در خانه‌اش می‌بینیم که تعداد زیادی روزنامه را دور خود چیده که روی همه‌ی آن‌ها عکس یا خبری از خاتمی درج شده است. او به محیط خانوادگی خاتمی می‌رود و خاتمی را سر سفره‌ی شام و در مراسم عقد یکی از افراد خانواده نشان می‌دهد. او بچه‌ها را بغل می‌کند و می‌بوسد. در یک سخنرانی، دختران جوان گریه‌کنان فریاد می‌کشند: «خاتمی دوستت داریم!» معتمدآریا به جست‌وجوی خود ادامه می‌دهد، اما موفق به گفت‌وگو نمی‌شود و بالاخره در برابر دوربین به گریه می‌افتد. او در نشست مطبوعاتی اعلام کرد که این فیلم هنوز تمام نشده و او تا زمانی که بتواند این گفت‌وگو را انجام دهد به تلاشش



کند، فیلم بهتری از کار دربیاید. سمینار زنان در سینمای ایران تحت عنوان «پشت لنز، آن‌سوی حجاب» در روز شنبه ششم می در سالن کنفرانس مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن برگزار شد. در این سمینار از ساعت ده تا دوازده یک میزگرد چندنفره تشکیل شد که در آن بنی‌اعتماد، کریمی، معتمدآریا، میلانی و عارف‌پور شرکت داشتند. این میزگرد بسیار جنجال برانگیز بود، چون در آن، هر یک از اینان عقاید جالبی را ارائه کردند. پرسش اصلی این بود که سانسور چه تأثیری بر حضور زن در سینمای ایران و بر کار خود آن‌ها به طور مشخص گذاشته است. بنی‌اعتماد پاسخ داد که او همواره ناچار بوده از نشان دادن رابطه‌ی جسمی میان زن و مرد در فیلم‌هایش خودداری کند، به همین دلیل در فیلم بانوی اردیبهشت تنها راه نشان دادن عشق میان مرد و زن، را حذف حضور فیزیکی مرد از فیلم دیده و این‌که به صدای او

کم‌دین، یک بقال ایرانی در لندن و ابراهیم گلستان است! حضور گلستان در این فیلم برای من تعجب‌آور بود که از یک نفر شنیدم او این کار را به خاطر روابط دوستانه‌اش با والدین این جوان‌ها انجام داده و بعد هم از این کار پشیمان شده و خواسته است که نماهای او را از فیلم دربیآورند، اما آن‌ها به حرف او توجهی نکرده‌اند.

در انتظار وحید درباره‌ی یک گروه نمایش ایرانی است که برای اجرای نمایش در انتظار گودو به پاریس می‌روند، اما کارگردان آن‌ها، وحید، به علت مشکل سرپازی نمی‌تواند به آن‌ها بپیوندد. فیلم شامل تلفن‌های مکرر افراد گروه به وحید است، اما نه چیزی از دیدنی‌های پاریس نشان می‌دهد و نه از نمایش در انتظار گودو. کارگردان فیلم گفت که تعداد زیادی راش داشته و از جمله نمایش را به طور کامل فیلم‌برداری کرده بود، اما در مرحله‌ی تدوین تصمیم گرفت آن‌ها را از فیلم دربیآورد. فکر می‌کنم اگر در تصمیم خود تجدیدنظر

از پشت تلفن و نیز در خواندن نامه بسنده کند. تهمینه میلانی گفت: مشکل زنان در جامعه‌ی امروز ما این نیست که از شوهران خود کتک می‌خورند یا با آن‌ها بدرفتاری می‌شود، مشکل این است که مردها از آن‌ها می‌خواهند که هویت خود را از دست بدهند. میلانی دوزن را فیلمی دانست که به موضوع هویت زن می‌پردازد. فاطمه معتمدآریا برخلاف بقیه معتقد بود که زنان در سینمای ایران مشکل زیادی ندارند. او گفت که تنها مشکل این‌جاست که زن‌ها باید در محیط خصوصی خود در خانه نیز روسری داشته باشند که این هم مشکل بزرگی نیست. معتمدآریا گفت که به عنوان یک زن در ایران یک زندگی طبیعی دارد، مادر است، عاشق می‌شود، زندگی می‌کند و دوست دارد بتواند همین‌ها را در فیلم‌هایش نیز نشان دهد، اما سینمای ایران در نشان دادن بعضی از این وجوه زندگی زن محدودیت دارد. نیکی کریمی گفت که دلیل فیلم ساختنش این بوده که می‌خواست از طریق سینما به نوعی خودشناسی برسد و چون احساس می‌کند که دیگر بازیگری او را ارضا نمی‌کند تصمیم گرفته فیلم بسازد. او در مورد محدودیت‌ها گفت: سینما آن‌قدر وسیع است که در آن، حجاب مسأله‌ی چندان مهمی نیست. کریمی عقیده داشت که مشکل اصلی فیلم‌سازان ممکن است این باشد که در بیان حرف‌هایشان قدرت و توانایی لازم را ندارند و گرنه محدودیت‌های بیرونی آن‌قدرها هم دست و پاگیر نیست. کریمی گفت که مردها در ایران نه تنها مانع زن‌ها نیستند، بلکه به آن‌ها کمک هم می‌کنند. او از جمله دربارهی تجربه‌ی شخصی خود در ساختن فیلمش گفت که از کمک مردها بهره‌مند شده بود.

در بعدازظهر سمینار، محققانی از داخل و خارج از کشور دربارهی سینمای ایران صحبت کردند.

لورا مالوی، یکی از رؤسای نشست، در صحبت کوتاهی تحت عنوان «زنان پشت لنز» توضیح داد که بعد از انقلاب تعداد زیادی کارگردان زن در سینمای ایران ظهور کرده و آن‌ها در فیلم‌هایشان دیدگاه‌های تازه‌ای را دربارهی زن در جوامع سنتی مطرح کرده‌اند.

نسرین رحیمیه از دانشگاه آبرتا در سخنرانی خود تحت

عنوان «زاده شده در تشویش» تحلیلی از فیلم سبب ساخته‌ی سمیرا مخملباف ارائه داد. او ضمن اشاره به واقعی بودن قصه‌ی فیلم، توضیح داد که در نقدها غالباً به ارتباط پدر و دخترها اشاره شده و کم‌تر کسی به شخصیت مادر توجه کرده است، مادری که در زندان خود اسیر مانده است، او ضمن تحلیل شخصیت توضیح داد ناتوانی مادر در این فیلم ناشی از نادیده گرفتن زن در متن‌گفتمان اجتماعی آن طبقه است. پس از او حمید نفیسی از دانشگاه رایس در سخنرانی خود تحت عنوان «نکات تلخ و شیرین» به نقد تصویر زن ایرانی و نقد جامعه‌ی ایران در فیلم‌های فیلم‌سازان زن ایرانی پرداخت. او به عنوان نمونه به بررسی فیلم‌های یک فیلم‌ساز ایرانی به نام غزل پرداخت و بخش‌هایی از فیلم‌های این فیلم‌ساز را نشان داد که در آن‌ها نگاهی طعنه‌آمیز نسبت به چادر وجود داشت.

تغمه ثمینی منتقد ایرانی نیز در سخنرانی خود تحت عنوان «بانویی برای همه‌ی فصل‌ها»، به بررسی زنان و دیدگاه‌های زنانه در سینمای بنی‌اعتماد پرداخت. ثمینی توضیح داد که رخشان بنی‌اعتماد نگاه فمینیستی ندارد، بلکه نگاهش به زنان از توجه او به مسایل اجتماعی برمی‌آید.

سپس ریچارد تیر (دبیر سمینار و همسر زیبا میرحسینی) جملاتی در معرفی برنامه‌های بعدی سمینار گفت. پس از او نگار متحده از دانشگاه آهایو و سلیمان، در سخنرانی خود تحت عنوان «داخل کادر، خارج کادر»، به موضوع شرایط محیطی و سانسور در سینمای ایران پرداخت و این‌که از نمایش مستقیم ارتباط دو جنس ممانعت به عمل می‌آورند. او اشاره کرد که هر کارگردان راهی شخصی برای فرار از این ممنوعیت برگزیده است و از جمله کیارستمی در فیلم‌هایش زنان و هر ارتباطی بین دو جنس مخالف را حذف می‌کند. در فیلم‌های کیارستمی تعداد معدودی زن حضور دارند و آن‌ها هم اغلب در قصه نقش مهمی ندارند. او همراه با سخنان خود صحنه‌ی شیر دوشیدن دختر را در فیلم باد ما را خواهد برد نشان داد.

سپس آزاده فرهمند از دانشگاه یو.سی.ان.ای در سخنرانی خود تحت عنوان «از تجاوز تا احترام» توضیح داد که زن‌ها



پرننگ زنان در سینمای اخیر ایران پرداخت. سخنران بعدی زیبا میرحسینی بود که درباره‌ی «زنان و عشق رمانتیک در سینمای ایران» صحبت کرد. او گفت: دوگانگی و تناقض در فرهنگ ایران به نوعی تعلیق میان عشق و جنسیت رسیده است. و سپس توضیح داد که چگونه این تعلیق، بازنمایی سینمایی زن و عشق رمانتیک در سینمای بعد از انقلاب ایران را تغییر داده است. او بیش‌ترین تمرکز خود را بر فیلم شوکران گذاشت و توضیح داد که در این فیلم، عشق موجب قربانی شدن زن در جامعه‌ای می‌شود که قوانین آن بر اساس نیازهای مردانه تدوین شده است. آخرین سخنران، انیس دویکتر محقق فرانسوی بود که در سخنرانی خود تحت عنوان «بدن زنان از سایه خارج می‌شود» به پوشیده ماندن جسمی زنان در سینمای ایران اشاره کرد. او گفت: در اوایل انقلاب هنوز قوانین سانسور مشخص نشده بود و به همین دلیل فیلم‌سازان از نشان دادن زنان در نقش‌های اصلی

در سال‌های اخیر در سینمای ایران حضور پرننگ‌تری یافته‌اند. او اشاره کرد که از دهه‌ی هفتاد به بعد سانسور کم‌تر شده و در نتیجه زنان نقش اول را گرفته‌اند و موفق شده‌اند نظر جشنواره‌های جهانی را به موضوع عشق و خیانت در فیلم‌های ایرانی جلب کنند. با این حال او توضیح داد که هم‌چنان حضور نیروهای سنتی و مذهبی در ایران قوی است و به همین دلیل زن‌ها هر قدر آزادانه در فیلم حضور یابند، باز هم اسیر سنت هستند. فرهمند فیلم سگ‌کشی را با جزییات کامل مورد بررسی قرار داد و اظهار داشت که این فیلم از معدود آثاری است که به جنسیت زنانه، نگاهی محترمانه داشته است. او درگیری‌های بیرونی گلرخ کمالی برای آزاد کردن شوهرش در این فیلم را یک سفر درونی برای رسیدن به فردیت، خودباوری و آگاهی دانست.

هیلاری اسمیت یکی دیگر از رؤسای نشست در سخنرانی تحت عنوان «زنان در آن سوی حجاب» به موضوع حضور

اجتناب می‌کردند و فقط سایه‌ای از آن‌ها را بر پرده نشان می‌دادند. در آن دوره زنان فقط در نقش‌های مادر خوب، همسر خوب و خواهر خوب ظاهر می‌شدند و سانسور، نمایش احساس واقعی زنان را منع کرده بود. در نتیجه زن‌ها انتخاب دیگری جز یک شخصیت مثبت نداشتند. اما بعد از سال‌ها این تصویر برجیده شد و زنان از سایه بیرون آمدند. آن‌ها در عین رعایت اخلاقیات، به تدریج دوباره ظاهر شدند و جایگاه مهم‌تری را به دست آوردند.

در پایان این سمینار فیلم زیر پوست شهر به نمایش درآمد که حاضران (به‌خصوص ایرانیان) را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

در نگاهی کلی، این‌گونه برنامه‌ها می‌توانند تأثیر مثبتی در معرفی فرهنگ ایران به مخاطبان خارجی داشته باشد. البته پیش‌تر شرکت‌کنندگان در این برنامه ایرانیان مقیم انگلستان بودند که اغلب دوست داشتند همه چیز را از زاویه‌ی دید خود تحلیل کنند، اما خوشبختانه دیدگاه آن‌ها بر فضای آن‌جا تحمیل نشد؛ مخصوصاً در سمینار یک‌روزه بحث‌های خوبی صورت گرفت و می‌شد دانشجویان جوان انگلیسی را دید که با دقت به سینمای ایران توجه می‌کردند و گاهی نظرات جالبی هم در مورد آن داشتند. این برنامه یکی از گسترده‌ترین برنامه‌هایی است که برای معرفی هنر و فرهنگ معاصر ایران در خارج از کشور تدارک دیده شده و امیدواریم که مشابه آن در کشورهای دیگر نیز برگزار شود. □

ژرف‌نگار
پرتال جامع علوم انسانی
ژرف‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی